



گفت‌وگو با ابراهیم گل‌دارزاده کارگردان نمایش «دیدومک»

حمله انگلیسی‌ها به جنوب کشور روی صحنه سنگلج

■ سبیده آماده

نمایش «دیدومک» از ۱۷ فروردین ماه اجرای خود را در سناسن ساعت ۲۰ تماشاخانه سنگلج آغاز کرده است، نمایشی که راوی حمله انگلیسی‌ها به بندر جنوبی کشور و مقاومت مردم ایران در برابر این تعدی است، به همین بهانه گفت‌وویی با ابراهیم گل‌دارزاده کارگردان این نمایش داشته‌ایم تا لزوم اجرای این نمایش تاریخی در این روزهای هنر نمایش کشور بهیچ‌سیم.

آقای گل‌دارزاده چه شد که واقعه‌ای تاریخی و استراتژیک از تاریخ معاصر را محور نگارش نمایشنامه قرار دادید؟

من در نمایش‌های قبلی هم همواره نقیبی به تاریخ کشور می‌زدم، به باور من داستان نمایش باید ناپ باشد، البته نه اینکه نوشتن نمایشنامه از یک داستان کار صحیحی نیست اما من به بکر بودن نمایشنامه معتدم، به باور من یک نویسنده باید داستانی جدید خلق کند و یک داستان به داستان‌های جهان بیفزاید مطالعاتی که من را وادار به نوشتن می‌کند معمولاً خارج از دنیای ادبیات هستند و به حوزه تاریخی و اجتماعی تعلق دارند. مطالعات در این حوزه‌ها باعث می‌شود که داستان‌های من فضایی تاریخی و اجتماعی داشته باشند و به نوعی نگاه من به تاریخ وقتی به زبان خودم ترجمه می‌شود، بدل به نمایشنامه می‌شود.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نمایش شما و یک‌رد استراتژیک نمایش، مسئلهٔ نفت و حمله انگلیسی‌ها به جنوب ایران است، با توجه به تحریم‌هایی ناچارند دانسته‌ای که بیش از یک دهه از تاریخ کشور ما را با مشکلات متعدد روبه‌رو کرد، به نظر شما این مسائل چقدر در جهان امروز قابلیت بازآفرینی دارد؟

یک واقعیتی وجود دارد و آن فراموشی عجیب و غریب تاریخ معاصر توسط نسل جدید ما است. بسیاری از اتفاقات این روزها به کرات در طول تاریخ در سرزمین بسیار استراتژیک ما رخ داده است. این سرزمین همواره مورد حمله قرار گرفته است. منطقه خاورمیانه در طول ادوات مختلف تاریخی همواره با تعدی و جنگ‌اندازی‌های غریبه‌ها روبه‌رو بوده‌است اما زمانی که به مرزمان این سرزمین می‌نگریم، مردمانی را می‌بینیم که تمایلی به نزاع و جنگ‌طلبی ندارند، زمانی من به سراغ تاریخ می‌روم، به این فکر می‌کنم که بار دیگر به این اتفاقات بازگردیم و رویدادهای تاریخی ببینیم، شاید نسل جوان تر ندانند که در دوران ملی شدن نفت چه اتفاقی افتاد و حوصله هم نداشته باشند که کتاب تاریخ را ورق بزنند به همین دلیل عدم مطالعه است که جوانان ما نمی‌دانند چه در سرزمین ما رخ داد و بر مردم ما چه گذشت. در همین راستا من در نمایش به اتفاق جنگ تاریخی می‌پردازم. در این نمایش به ماجرای جنگ جهانی دوم، حمله غریبه‌ها به کشور و در نمایش پیشین هم به ماجرای دوره تاریخی پس از پایان قاجارسه و حمله فرانسیز ایران پرداختم که در اثر مرگ و میر حاصل از آن جمعیت کشور ما در مدت پنج سال به نیم کاهش یافت. من این وقایع تاریخی را به نمایش بدل کردم تا این اتفاقات تاریخی در مدیومی سلیس به مخاطب منتقل شود.

تمرین گروه از چه زمانی آغاز شد؟

نمایش دیدومک ۶۰ جلسه تمرین داشت. با توجه به اینکه کاراکترهای داستان جز یک نفر، جنوبی هستند سعی کردم در انتخاب بازیگر از بازیگران اصالتاً جنوبی استفاده کنم. خود من هم جنوبی هستم و به لهجه و گویش و خرده فرهنگ‌های جنوب مشرف بودم. به همین دلیل تصمیم گرفتم بازیگران به گویشی در نمایش تکلم کنند که گوش اصیل خودشان هم هست، نکته بعدی هم این بود که در بداهه پردازی و اتودها سعی داشتیم خرده فرهنگ‌ها و واقعیت آدم‌هایی که در این قسه روایت می‌شوند، را کشف کنیم و این کشف مستلزم رابطه نزدیک بازیگران به فضای جنوب بچه‌های گروه جمله‌هایی شنیدم مانند اینکه رفتار این کاراکتر شبیه پدر بزرگ و اعضای خانواده من است و اعضای گروه بازیگری نمایش خودشان و نسل‌های پیشینشان را در این نمایش می‌دیدند. این شد که گروه را من از بچه‌های جنوبی تئاتر انتخاب کردم البته تاکید من نبود که نقش جنوبی بازیگران جنوبی بازی کنند فرصت انتخاب من را محدود کرد و نتایجاش را مخاطبان باید بگویند.

بازیگر شمالی نمایش هم اصالتاً شمالی است؟

بله، ایشان هم اصالتاً بچه شمال هستند در نمایش

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۹۸۴۶۶

تأثیر داستان بر سبک زندگی اسلامی در گفت‌وگو با محمدرضا سرشار

داستان، زندگی را بازسازی می‌کند

■ معصومه طاهری

قصه‌طهر جمعه یکی از نوستالوژیک‌های فرهنگی ایرانیان در سال‌های نه چندان دور بود، داستان‌های خاطره‌انگیزی که تنها خاطره نبود مخصوصاً در دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ که تلویزیون نقش کمتری در زندگی ایرانیان داشت قصه‌طهر جمعه مستقیم و غیر مستقیم آموزش‌های مهمی را به جامعه تزیق

یکی از مؤلفه‌های بسیار تأثیر گذاری که مقام معظم رهبری به آن تأکید زیادی دارند توجه به سبک زندگی اسلامی در جامعه است. با توجه به اینکه جنابعالی در عرصه ادبیات و داستان‌نویسی فعالیت دارید به نظر شما چه تأثیری می‌تواند داستان و رمان بر سبک زندگی داشته باشد؟

درواقع داستان سعی می‌کند زندگی را بازسازی کند و نسبت به همه موارد دیگر بیشتر به زندگی واقعی انسان نزدیک‌تر است. داستان می‌تواند زندگی را به تصویر بکشد و به روی صحنه بیاورد. داستان در نمایش یا فیلمنامه ظهور و بروز دارد. ما در فیلمنامه که سینمای خوبی داریم و کشوری که سینمای خوب دارد مدیون داستان است و مردم در داستان به گونه‌ای شبیه زندگی واقعی را تجربه می‌کنند. گویا یک زندگی دیگری را می‌بینند و در آن مشارکت دارند.

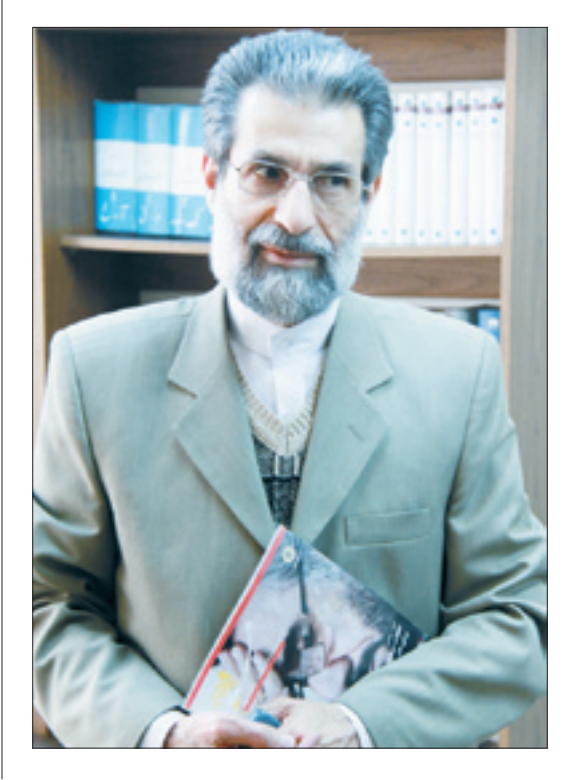
چگونه‌این تجربه و مشارکتی که می‌گویید حاصل می‌شود؟

معمولاً وقتی افراد از یک داستان خوششان می‌آید به گونه‌ای با شخصیت اصلی داستان در فرهنگ قدیمی جنوبی صدای هوشیار باش است، اینکه با آوای این پرنده ممکن است عده‌ای با پرچم سفید برای جنگ به کشور بیایند. خوششان را به‌جای شخصیت اصلی داستان می‌گذارند و با او تجربیاتی را از سر می‌گذرانند. در غم،آه،شادی‌ها و هیجانات همراه او هستند و در پایان هر تحولی که در شخصیت اصلی داستان پدید بیاید شبیه آن برای مخاطبان می‌شود.

اگر او از چیزی نفرت بگیرد مخاطب هم نفرت را می‌گیرد. یک چیزی شبیه تجربه است اما خود تجربه نیست در صورتی که تجربه‌دیدن خودتان نیست. در زندگی فردی به تجربه‌دیدن خودتان نیست. در زندگی ما هر چه پیش‌تر به تجربه‌ای دست یازیم به سنگ بخورد و تجربه‌ای بیندوزد در حالی که داستان همین کار را برای فرد می‌کند بدون اینکه خواننده داستان سرش به سنگ بخورد عبرت می‌گیرد. چیزی شبیه تجربه‌برای او حاصل می‌شود، یعنی به جای اینکه او مایه تجربه‌دیگران بشود تجربه‌کننده داستان مایه تجربه اوست. بنابراین داستان نقش بسیار بزرگی در تحولات اجتماعی داشته و دارد. یکی از عوامل زمینه‌ساز انقلاب‌های اجتماعی داستان است.

با توجه به اینکه این روزها رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی بیشتر شده، تأثیر و اجتماعی این رسانه‌ها در چگونه می‌دانید؟

بله امروز با وجود وسایل سرگرم کننده متعدد از تلویزیون و سینما گرافته رایانه و اینترنت و سرگرمی‌های مجازی و غیر مجاز، داستان کمتر مورد توجه است. سینما داستان خودش را نشان می‌دهد و در خانواده‌های سنتی متأسفانه قصه‌گویی کمتر از قبل شده‌است. معمولاً



پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها با بچه‌ها زندگی نمی‌کنند اغلب خانواده‌ها مستقل و جدا هستند، پدرها و مادرها شاغلند و وقتی از سر کار می‌آیند فرمت و حوصله قصه گفتن ندارند و انرژی هم برای اینکه بنشینند قصه بگویند ندارد. برای همین این کار را به سی.دی‌های داستان گویی محلول کرده‌اند و یا فیلم‌های سینمایی

پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها با بچه‌ها زندگی نمی‌کنند اغلب خانواده‌ها مستقل و جدا هستند، پدرها و مادرها شاغلند و وقتی از سر کار می‌آیند فرمت و حوصله قصه گفتن ندارند و انرژی هم برای اینکه بنشینند قصه بگویند ندارد. برای همین این کار را به سی.دی‌های داستان گویی محلول کرده‌اند و یا فیلم‌های سینمایی پوینامی‌های کودکانه ولی با این حال می‌توان گفت داستان گویی از بین رفته است زیرا هنر خواننده‌های زیادی هستند که به فرزندان خود اهمیت می‌دهند و پوینامی‌های خود را با این حال می‌گفتند ماهر شب در خواب‌ها با هم کتابخوانی داریم؛ و به صورتی که یکی کتابی می‌خواند و بقیه گوش می‌دهند

در همه روابط خانواده محسوب می‌شود. اینکه آیا خانواده‌های تراز اسلامی هستند یا نه و آیا روابطی است که مورد نظر بزرگان ماست یا نه لذا باید نوع داستان هم سالم و قوی باشد مثلاً داستان‌های مبتدل خارجی ای مشخصه را ندارند

یا داستان‌هایی که برخی از نویسندگان داخلی می‌نویسند، همه این‌ها بستگی دارد. به اینکه چقدر از خانواده تراز اسلامی اطلاع و شناخت دارند و چقدر اعتماد برای کودکان و نوجوانان هم دارا ی اطلاعات لازم باشد کم و بیش داستان‌هایش باحتوا و غنا خود بود.

خانواده تراز اسلامی از نظر شما چه خانواده‌ای است؟

اول اینکه خانواده اساس جامعه است و به عنوان سسلول اصلی اجتماع به آن نگاه می‌شود. اگر خانواده درست و سالم باشد جامعه هم درست می‌شود. مشکلاتی که

می‌کرد. شاید سبک زندگی اسلامی ایرانی که ادب، احترام به والدین، احترام به بزرگ‌تر و... از شاخصه‌های مهم آن است را بهتر از هر چیز در این اثر هنری صوتی بتوان یافت. اما قصه‌گوی صداآشنای قصه‌طهر جمعه یعنی محمدرضا سرشار تنها یک قصه‌گو نبود، او که خود از کارشناسان برجسته ادبیات داستانی معاصر محسوب می‌شود درباره این انتقال مفهوم بیشتر و بهتر سخن می‌گوید.

در جامعه‌است مربوط به نظام خانواده است. مثلاً اگر کارمندی در خانواده تربیت درست دینی داشته باشد حقوق ارباب رجوع برایش مهم است و به آن احترام می‌گذارد یا بقیه اقشار جامعه. فرقی نمی‌کند توصیه رهبری و امام راحل هم درباره خانواده بوده است اینکه اگر می‌خواهید مملکت درست شود باید خانواده را درست کرد. به نظر من پدری که نمی‌تواند فرزندان و خانواده خود را اداره کند حق ندارد نسبت به جامعه معترض باشد و نکته دوم آن است که برای خانواده تراز اسلامی الگو همان خانواده امام علی و حضرت زهرا است که باید از آن یاد بگیریم. برای هر کدام از اعضای خانواده یک الگوی کامل وجود دارد که اگر می‌خواهیم خانواده‌ای سالم و درست داشته باشیم باید از آنها تبعیت کنیم نه در حرف بلکه در عمل الگوگیری کنیم.

قصه‌طهر جمعه برای خیلی‌ها خاطر‌انگیز و نوستالوژیک‌است چرا نیمه‌کاره ماند و رفتید؟

فکر می‌کنم بعد از مقام معظم رهبری که آن‌شاء،الله خداوند به ایشان طول عمر با عزت بدهد و آقای قرآنی هیچ کس به اندازه من در این مملکت یک کار را ادامه نداده است آن هم در عرصه فرهنگی. حدود ۲۴سال قصه گفتم. قبل از من هم کسی این همه اجرا نداشت. از آن دیهشت سال ۹ تا ۱۳۰۹ قصه‌طهر جمعه شروع شد تا ۱۳۱۴ ادامه داشت حدود ۲۲سال به طول انجامید ولی بعد از آن گوینده مشکل نجره پیدا کرد و نتوانست ادامه بدهد و کار رها فاند. بعد یک نفر فریاد آمد او هم ادامه نداد. بعد از آن از سال ۵۴ تا ۵۹ گوینده بعدی قصه را گفت و پس از دش ماه کار به دوش من افتاد و قصه گفتم اما در طول ۹ سالی که از قصه‌گویی‌طهر جمعه کنار کشیدم پنج گوینده عوض شدند یعنی به طور متوسط هر کدام یک‌سال تا یک‌سال و نیم فعالیت داشتند و دوام نیاوردند. خودم این اعتقاد را داشتم که عرصه را خالی کنم تا جوانان وارد میدان شوند و استعداد‌های‌شان را نشان بدهند. خود من علاقم بیشتر به نوشتن داستان است. امیدوارم فرصت بیشتری برای نوشتن پیدا کنم، که البته نشد.

در حوزه داستان‌نویسی در این سال‌ها چه کرده‌اید؟

من داستان‌نویسی را از قبل از انقلاب شروع کردم. چهار کتابم قبل از انقلاب چاپ شده بعد از آن تا به امروز نزدیک ۱۵۰ کتاب نوشته و منتشر نموده‌ام. هم داستان برای کودکان و نوجوانان هم برای بزرگسالان و هم کار ترجمه داشته‌ام. کتاب‌های بسیارم در حوزه نقد ادبی در رده‌های سنی مختلف ارائه کرد.ام، به لحاظ کمی زیاد کردم و به لحاظ داستانی عمومی هم خداراشکر کتاب‌ها با اقبال خوبی مواجه شده‌است. بیش از ۵ میلیون نسخه سازمان کتاب‌هاست. بعضی کتاب‌هایم به چاپ‌های ۱۸ و ۱۹ هم رسیده‌است.

شهرداری اسپانسر کار است

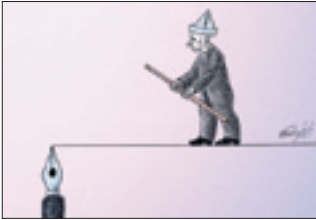
تولید سری جدید «عمو پورنگ» با الگوبرداری از مجموعه امریکایی

نگاهی به برنامه موفق «خیابان بسیمی» داشته‌ایم و تلاش می‌کنیم با فضای بزرگ‌تر هدفی که داریم بهتر به مخاطب منتقل کنیم.

■ **«خیابان بسیمی» چیست؟**

«خیابان بسیمی» که آقاچانزاده از نگاه «عمو پورنگ» به آن حرف می‌زند مجموعه‌ای کودکانه است که توسط «چوان گانز کانی» و «ولیدموریس» خلق شده است. این مجموعه که از اواخر دهه ۶۰ میلادی ابتدا از شبکه «ان.تی.تی» و سپس «بی.بی.اس» روی آنتن می‌رود اولویت خود را بر آموزش مفاهیم مختلف اجتماعی به کودکان قرار داده است. این برنامه ترکیبی از انیمیشن، فیلم‌های کوتاه و ایت‌های آموزشی است. نتیجه یک آمارگیری در سال ۱۹۹۶ مشخص کرد که ۹۶درصد امریکاییان در دوران قبل از دبستان بیننده برنامه بوده‌اند. در

سال ۲۰۰۹ نیز این مجموعه به عنوان پلزدهمین مجموعه کودکانه برتر تلویزیون امریکامعرفی شد. اولویت تولیدکنندگان این مجموعه آموزش است. تبدیل مفاهیم مختلف آموزشی به ایت‌های جذاب و مفرض مطلوب کودکان بوده است.



سردرگمی و بلاتکلیفی خبرنگاران در ابتدای سال

چرا دولت پشت خبرنگاران آزاد را ناگهان خالی کرد؟

■ **الناز خمای‌زاده**

یکی از خبرهایی که در یکی دو روز گذشته کام شمار زیادی از خبرنگاران را تلخ کرده است عدم پرداخت شدن سه‌م دولت از بیمه آنها از ابتدای سال و به عبارتی قطع بیمه آنها از سوی وزارت ارشاد است. هر چند که معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در توصیه‌های جدید از این خبرنگاران خواسته است که برای پیگیری حق و حقوقشان به اداره خبرنگاران اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی مراجعه و به عبارتی طرح شکایت کنند اما همچنان این سؤال به حال خود باقی می‌ماند که تکلیف آن دسته از خبرنگارانی که به عنوان خبرنگار آزاد شناخته می‌شوند و برای رسانه‌های مختلف مطلب می‌نویسند چیست؟ آنها باید گلایه‌هایشان از اوضاع ناسامان شغلی خود را از کدام رسانه یا از چند رسانه به این اداره ببرند آن هم در حالی که هنوز به عنوان خبرنگار تمام‌وقت در فضای رسانه به رسمیت شناخته نمی‌شوند؟

حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که خود از چهره‌های نام‌آشنای عرصه رسانه است در مدت حضور خود در این سمت اقدامات مثبت و درخور توجهی را در حوزه مطبوعات و رسانه انجام داده است؛ از جمله این اقدامات شفاف‌سازی این حوزه آن هم از طریق فرمول‌گذاری شیوه ارائه ارائه به مطبوعات یا امتیازدهی و تبه‌بندی رسانه‌ها از نظر کیفی است. انتظامی از همان روزهای نخست ورودش به معاونت مطبوعاتی اما تأکید ویژه‌ای بر برابرتی شدن بار بیمه‌ای خبرنگاران از دوش دولت و انتقال آن به مجموعه وظایف صاحبان رسانه‌ها در قبال اصحاب رسانه داشت.

سال‌ها است که دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای پدید آوردن آرامش شغلی برای خبرنگارانی که از سوی رسانه‌های ماشیه‌بیمه نشده‌اند یا خبرنگارانی که آزاد هستند و به صورت پیوسته و مداوم برای رسانه‌های مختلف مطلب می‌نویسند طرح بیمه خبرنگاران را ارائه می‌دهد؛ این طرح اما هرگز از هر چیز شنیده‌اند. در این بین همین خبرنگاران آزاد است؛ آن دسته از اهالی حقوق و مزایای بیمه‌ای ارائه نشده‌اند. در این بین به رسانه که زیر پرند و نام رسانه مشخصی مشغول به کار نیستند افرادی که معمولاً رسانه‌های زیر بال و پر گرفته‌اند یا خبرنگاران محسوب می‌شوند. این دسته از اهالی مطبوعاتی و خبرنگاران خاص و بهره‌بردن از سلفه و مزایای بیمه‌ای آنها نشده‌اند. در این بین با قطع بیمه دولتی این دسته از خبرنگاران مشخصی که سرنوشت آنها چه خواهد شد. معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد در این راستا به خبرنگارانی که هنوز بیمه آن توسط رسانه متبوعشان فرقرار نشده توصیه کرده که به اداره خبرنگاران اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی مراجعه کنند.

معاونت مطبوعاتی به رسانه‌ها اعلام کرده است یکی از شروط پرداخت بیمه ارائه بیمه کارکنان و سایر حمایت‌هایی که وزارت ارشاد انجام می‌دهد نبود اعتراض خبرنگاران تمام وقت آن رسانه است. اما وزارت ارشاد و معاونت مطبوعاتی هنوز به طور مشخص اعلام نکرده است که تکلیف آن دسته از خبرنگاران آزاد که سال‌ها است با کمک دولت حق بیمه خود را پرداخت کرده‌اند و حالا ناگهان با قطع بیمه ارشاد مواجه شده‌اند چیست؟ تکلیف میانی که آنها در این سال‌ها برای تداوم بیمه دولتی ارشاد پرداخت کرده‌اند چه می‌شود؟

سختگوی وزارت ارشاد چند روز پیش در نشست خبری گفته بود که خبرنگار آزاد به این معنا که خود را وابسته و متعلق به هیچ رسانه‌ای نداند نمی‌تواند تحت حمایت دولت قرار بگیرد اما در دنیای رسانه‌ای امروز که در آن تنوع خلق اهمیت بسیاری برخوردار است بسیاری از رسانه‌ها ترجیح می‌دهند که از صدها قلم متفاوت مطلب دریافت کنند و حق تحریریر آن را بپردازند آن هم در شرایطی که مسلماً توان جذب و بیمه کردن این تعداد خبرنگار را ندارند.

کمتر خبرنگاری خواهد داشت که به صورت آزاد فعالیت کند و اگر در فضای پر استرس خبری، فرصت امن شغلی برای این دسته از خبرنگاران فراهم شود بعید است که آنها این فرصت را از دست بدهند. در این شرایط واقعاً چرا باید بزرحمت فراهم کرد هم بود پشتیبان ناگهان خالی کند؟ معاونت مطبوعاتی باید بیش از هر چیزی در تلاش برای ارتقای امنیت شغلی و آرامش خبرنگاران باشد، صنفی که برای رفع دغدغه تمام اشکاف جامعه تلاش می‌کند و سختی می‌کشد اما خودش مورد بیشترین محرومیت‌ها و کم‌لطفی‌های شغلی قرار می‌گیرد!